

شادکامی، شکوفایی و زندگی خوب

ببینشی دگرگون ساز
برای به زیستی انسان

گرت تمام سن
شترت و گیل
آیور گودسن
ترجمه وحید موسوی داور

سرشناسه: تامسون، گرت؛ Thomson, Garrett
عنوان و نام پدیدآور: شادکامی، شکوفایی و زندگی خوب: بینشی دگرگون‌ساز برای بهزیستی انسان/نویسندگان گرت
تامسن، شرئوگیل، آیور گودسن؛ مترجم وحید موسوی‌داور.
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکا، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۲۰۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۵۱-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: Happiness, flourishing and the good life : a transformative vision for:
human well-being, 2021.
یادداشت: کتابنامه.

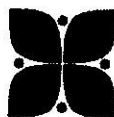
عنوان دیگر: بینشی دگرگون‌ساز برای بهزیستی انسان.
موضوع: کیفیت زندگی
Quality of life
بهزیستی
Well-being
خوشبختی
Happiness

شناسه افزوده: گیل، شرئو، ۱۹۶۹-م.
شناسه افزوده: Gill, Scherto, 1969-
شناسه افزوده: گودسن، آیور، ۱۹۴۵-م.
شناسه افزوده: Goodson, Ivor, 1945-
شناسه افزوده: موسوی‌داور، وحید، ۱۳۵۹-، مترجم

رده بندی کنگره: HN۲۵

رده بندی دیویی: ۳۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۷۷۶۱۷



موسسه فرهنگی دکسا

عنوان: شادکامی، شکوفایی و زندگی خوب
بینشی دگرگون‌ساز برای بهزیستی انسان

نویسندگان: گرت تامسن، شرتو کیل و لاور کریم

مترجم: وحید موسوی داور

طراح جلد: پرویز بیانی

صفحه‌آرا: سیده سمانه حسن‌زاده

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

قیمت: ۳۲۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۵۱-۸

موسسه فرهنگی دیدگاه کاوش و سازندگی (دکسا)

نشانی: ایران، تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

Email: publication@doxa-v.org

تلفن: ۰۲۱۵۴۳۲۲۲۲

 doxa_vision

www.doxa-v.org

فهرست

۱.....	سخن ناشر
۳.....	مقدمه
۱۳.....	فصل اول: مقدماتی برای یک چارچوب
۵۳.....	فصل دوم: فراتر از ابزاری سازی
۱۰۱.....	فصل سوم: فعالیت ها و امیال
۱۵۵.....	فصل چهارم: آگاهی
۱۹۹.....	فصل پنجم: روابط
۲۴۳.....	فصل ششم: خودآگاهی ارزیابانه
۲۸۵.....	فصل هفتم: پیش به سوی تعریف به زیستی
۳۴۷.....	فصل هشتم: پیش به سوی نقد اجتماعی
۳۸۳.....	کتابنامه
۳۹۵.....	نمایه

سخن ناشر

از جمله پرسش‌های پیش روی انسان مدرن این است که چگونه زندگی‌ای ارزش زیستن را دارد. از مقبول‌ترین پاسخ‌ها به این پرسش این است: زیستی که در راه «شکوفایی» انسان باشد، بالاترین «رضایت» و «سرور» را برای انسان به همراه دارد، و بنابراین مقارن با «به‌زیستی» است. هرچند چنین پاسخی پذیرفتنی است، اما در دل خود پرسش‌های فراوانی را به همراه دارد. منظور از مفاهیم «رضایت»، «شادکامی»، «به‌زیستی»، «سرور» و «شکوفایی» چیست؟ به چه میزان تحقق این مفاهیم به شرایط درونی فرد ربط دارد و به چه میزان وابسته به روابط میان فردی و شرایط اجتماعی است؟ نقش عوامل اقتصادی، سیاسی و محیط‌زیستی در تحقق آن‌ها چیست؟ آیا پاسخ‌هایی که در دهه‌های گذشته به این پرسش‌ها داده می‌شد برای انسان امروزی که ساعاتی از زندگی‌اش را در جهان مجازی و شبکه‌های اجتماعی سیر می‌کند، به همان شکل گذشته صادق است؟ چگونه باید پاسخ‌های گذشته را روزآمد کرد؟

گاه می‌توان با تغییراتی کوچک و ساده به نتایجی بزرگ رسید. در سطح فردی می‌توان با شناسایی و حذف برخی الگوهای فکری و رفتاری نادرست، فرد را در مسیر شکوفایی قرار داد. در سطح میان فردی بسیاری از مشکلات راهکارهایی ساده دارند. نکته اساسی اینجاست که سادگی این راهکارها به معنای سادگی در اجرای آن‌ها نیست. تغییر عادت‌ها فرایندی

زمان بر و گاه بسیار سخت دارد و نیازمند آموزش است. به همین دلیل، کتاب‌هایی که وعده موفقیت و شادکامی در چند جلسه و گاه چند ساعت را می‌دهند، وعده‌هایی پوچ را عرضه می‌کنند.

در سطح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز به تغییر نگرش‌های اساسی نیاز است. طی دهه‌های اخیر، جنبش‌های سیاسی و اقتصادی، در پی یافتن راه‌سومی در میان نگرش‌های رایج چپ و راست، شکل گرفته‌اند و کتاب‌های سیاست و اقتصاد شادکامی بخش مهمی از ادبیات این حوزه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. طرح راهکارهای ایجابی در زمینه‌سازی اجتماعی، برای شکوفایی آحاد مردم جامعه، یکی از اهداف مجموعه شکوفایی است.

مجموعه شکوفایی، در موسسه فرهنگی دکسا، در صدد پرداختن به چنین موضوعاتی است و برای نزدیک شدن به پاسخ پرسش‌هایی از این دست، انتشار کتاب‌هایی به‌دقت انتخاب‌شده را در دستور کار خود قرار داده است. همچنین، برگزاری کارگاه‌هایی متمایز در سطح شکوفایی فردی، یکی دیگر از اهداف مهم این مؤسسه است.

(برای آگاهی از کارگاه‌ها و فهرستی از کتاب‌های این مجموعه می‌توانید به وب‌سایت www.doxa-v.org مراجعه کنید.)

شکوفایی انسان و راه رسیدن به شادکامی فرایندی بس پیچیده‌تر از آن است که دعوی آن را داشته باشیم، اما راه‌حل‌های میان‌بری برای رسیدن به انتها در اختیار ما است. با این حال آن‌قدر می‌دانیم که راهکارهای احتمالی محصول هم‌افزایی اندیشه‌هاست. به همین دلیل جمعی از فیلسوفان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و اندیشمندان دیگر حوزه‌ها را گرد هم آورده‌ایم تا فضایی برای اندیشیدن در باب شکوفایی انسان را شکل دهیم. مسیری بی‌انتها؛ که گام نهادن در آن گام برداشتن در مسیر به‌زیستی است. شکوفایی محصول نهایی نیست؛ طی طریق کردن است.

مقدمه

ما می‌خواهیم این کتاب را با توضیح سه ویژگی بدیهی زندگی انسان شروع کنیم. متأسفیم که این‌ها ممکن است تکرار مکررات به نظر برسد، اما این تصورات پیش‌پا افتاده برای درک به‌زیستی بسیار اهمیت دارند.

نخست، ما موجوداتی زمانمند هستیم. این واقعیت پیامدهایی جدی برای تحقیقات ما دارد. به نظر می‌رسد که «به‌زیستی»^۱ مفهومی ایستا است، اما این تصور باید به‌سرعت برطرف و اصلاح شود. ما از بسیاری جهات تغییر می‌کنیم. فعالیت‌های ما شامل آغاز، تداوم و پایان است. فعالیت‌های خُرد معمولاً در فعالیت‌های کلان گنجانده می‌شوند، و این تودرتویی از نوع زمانی است. برای مثال، ما سوار اتوبوس می‌شویم و به دیدن دوستان می‌رویم تا برای تعطیلات برنامه‌ریزی کنیم یا در مورد تجارتی جدید بحث کنیم. این‌ها روابطی زمانی‌اند: کنشی خاص، که ابزاری برای کنش‌های دیگری است، قبل از آن کنش‌ها انجام می‌شود یا درون کنش دیگری که بخشی از آن است قرار می‌گیرد. علاوه بر این، روابط ما با یکدیگر تغییر می‌کند، نه تنها به این دلیل که افراد متحول می‌شوند، بلکه همچنین به دلیل آن‌که دانش آن‌ها از یکدیگر و احساساتشان نسبت به یکدیگر تغییر می‌کند. به علاوه، آگاهی و خودآگاهی ما تغییر می‌کند. برای مثال، شخص ممکن

است فکر کند که هنوز جوان است، اما ناگهان متوجه می شود که واقعاً پیرتر شده است. تصور افراد از خودشان دائماً در معرض تغییر است.

واژه «شکوفایی»^۱ دلالت‌هایی زمانی دارد، همان‌طور که مفهوم خودسازی^۲ چنین است. با این حال، نکته مهم فقط این واقعیت نیست که ما دائماً تغییر می‌کنیم. همان‌طور که خواهیم دید، موضوع این است که آنچه به‌زیستی را تشکیل می‌دهد تغییر می‌کند. آنچه برای به‌زیستی شخصی خاص در دوران کودکی‌اش و برای همان شخص در دوران جوانی‌اش مهم تلقی می‌شود، از بسیاری جهات، با آنچه به‌زیستی او را در دوران پیری‌اش تأمین می‌کند تفاوت دارد. همین نکته در مورد «شکوفایی» نیز صدق می‌کند. در واقع، نظریه به‌زیستی وقتی جامع خواهد بود که ابعاد مختلف رشد انسان را به‌طور هم‌زمان پوشش دهد. بنابراین، وظیفه مهم ما در این جا چنین است: قبیل این که به‌زیستی چگونه در طول زمان به‌طور متفاوت شکل می‌گیرد.

این پژوهش شامل پیش‌فرض مهمی است که با آنچه در بیش‌تر ادبیات مربوط به به‌زیستی و شادکامی دیده می‌شود تفاوت دارد. فرض متفاوتی که ما ارائه می‌کنیم این است که پژوهش درباره ماهیت به‌زیستی نیازمند نوعی مطالعه تجربی روشمند است که صرفاً با مطالعه آنچه باعث ایجاد یا ارتقای به‌زیستی می‌شود یا صرفاً از طریق مقایسه به‌زیستی بین جوامع مختلف حاصل نمی‌شود. اکثریت مطلق مطالعات تجربی مربوط به به‌زیستی (و شادکامی) یا به این مسئله توجه دارند که چه چیزی باعث ایجاد، تسهیل یا تضعیف به‌زیستی می‌شود یا به مقایسه سطوح به‌زیستی در گروه‌های اجتماعی مختلف می‌پردازند. اما غیر از علل، شرایط و مقایسه‌ها، چه چیز دیگری برای مطالعه وجود دارد؟ به‌طور خلاصه، ما به مطالعه‌ای تجربی

1. flourishing

2. self-development

نیاز داریم که به ماهیت به‌زیستی و چگونگی تغییر آن در طول زمان پردازد. این موضوع کتاب حاضر است.

دومین ویژگی بدیهی این است که ما حیوان هستیم. این بدان معناست که زندگی ما همان خصوصیات کلی زندگی حیوانات را دارد. ما بدن داریم، نفس می‌کشیم، می‌نوشیم، می‌خوریم، می‌خوابیم و سایر کارکردهای جسمی را انجام می‌دهیم. ما گرما و سرما را تجربه می‌کنیم. ما، مانند همه حیوانات دیگر، تاریخی طبیعی و شجره‌نامه‌ای تکاملی داریم. ما پدر و مادر داریم و هرکدام از ما معمولاً بچه دارد. ما به اطراف حرکت می‌کنیم، چیزها را می‌بینیم و برای خودمان برمی‌داریم. این‌ها ویژگی‌های عام زندگی است که (علاوه بر چیزهای دیگر) قالب کلی به‌زیستی را مشخص می‌کند.

این ویژگی بدیهی دوم وظیفه دیگری برای ما تعیین می‌کند و آن پاسخ به این پرسش است: ما چه نوع حیواناتی هستیم؟ ما برای پاسخ به این پرسش وسوسه می‌شویم که، هنگام توصیف خودمان، صفت یا عبارت خاصی را قبل از واژه «حیوان» قرار دهیم. اغلب ادعا می‌شود که ما حیواناتی معقول هستیم، اما بسیاری صفت‌های دیگر نیز وجود دارند که می‌توانیم آن‌ها را برای تکمیل جمله «ما حیواناتی ... هستیم» به کار ببریم. این صفات عبارت‌اند از: خردمند، خودآگاه، بااراده، زبانمند،^۱ اجتماعی، رابطه‌مند،^۲ طنّاز، تناقض‌آمیز، خلاق، سیاسی، خودتعرف‌گر،^۳ سازنده (مثلاً، سازنده ابزار تولید)، روایتگر و معنوی. مشکل آن است که هریک از این صفات به‌تنهایی نمی‌تواند چیرستی ما را به‌طور کامل بیان کند. بااین حال، وقتی این صفات به‌شکل نوعی فهرست در کنار هم قرار می‌گیرند، به نظر می‌رسد که چیزی کم است: چه چیزی چیزهای موجود در این فهرست را متحد می‌سازد؟ این فهرست قرار است شامل چه چیزهایی باشد و چیزها چگونه

1. linguistic

2. relational

3. self-defining

به آن راه می‌یابند؟ این فهرست چه موقع کامل می‌شود؟ به عبارت دیگر، پاسخ به این سؤال دشوار شامل صفتی واحد - هر قدر که این صفت جامع باشد - نخواهد بود و این فهرست نیز به عاملی نیاز دارد که ارتباط بین صفات را تبیین کند. همان‌طور که خواهیم دید، این بدان معناست که شکل این پرسش را باید تغییر دهیم.

سومین ویژگی بدیهی این است که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که تجربه می‌شود و با افراد دیگر مشترک است و این که کنش‌های ما فقط در ارتباط با سایر انسان‌ها معنا دارد.^۱ حتی شیوهٔ راه‌بانهٔ دوری از جامعه برای مراقبه و تفکر در خلوت نیز فقط در ارتباط با طریقتی مذهبی که دیگران پیموده‌اند معنا پیدا می‌کند. حتی خلوت ظاهری گردش انفرادی در طبیعت نیز با مفاهیمی اجتماعی همراه است که امکان می‌دهد این عمل به عنوان پیوند با طبیعت معنا پیدا کند. بنابراین، حتی زمانی که کنش‌های ما به تنهایی انجام می‌شود، معانی آن‌ها از روابط با سایر افراد تشکیل می‌شود، و حتی اگر چنین نبود، آن معانی شامل محتوایی است که به مفاهیم اجتماعی نیاز دارد. معنای کنش‌های ما و ارتباط آن‌ها با به‌زیستی خود ما کاملاً اجتماعی و حاصل روابط ماست. از این‌رو، اگر موضوع را کمی تناقض‌آمیز بیان کنیم، معنای کنش‌های ما حتی در عمیق‌ترین خودخواهی‌های ما از ارتباط با دیگران حاصل می‌شود.

این ویژگی سوم زندگی انسان چالش دیگری برای ما می‌آفریند. این چالشی انتزاعی است، اما متضمن تعارض اصولی است که در هر چارچوبی که به به‌زیستی مربوط می‌شود باید حل و فصل شود: آیا ما افرادی مستقل هستیم یا اساساً موجوداتی رابطه‌مند؟ در این شکل اولیه، پرسش مورد نظر زیاده‌خام است، گرچه مسائلی که از آن برمی‌آیند چنین نیستند. اقتصاد، نظریهٔ سیاسی و فلسفهٔ غربی سنتی و مدرن معمولاً فرد را موجودی

۱. منظور از «معنا» در این جا محتویاتی تقریباً روان‌شناختی است که پیامدهایی ارزیابانه دارند.

تنها یا مستقل می‌دانند که همکاری‌اش با دیگران فقط تا جایی است که به نفع او باشد.^۱ این تصور را باید نقد و بازنگری کرد، زیرا روابط ما با دیگران بخشی حیاتی از زندگی ماست.

این سه ویژگی بدیهی چارچوب مطالعه ما را در عام‌ترین حالت آن مشخص می‌کنند. ما این سؤال را بررسی خواهیم کرد: «ارزش زندگی شخص از دیدگاه او، به‌عنوان فردی که آن زندگی را می‌زید، چیست؟» وقتی می‌پرسیم که «آیا زندگی من خوب پیش می‌رود؟»، یا وقتی می‌پرسیم که «برای زندگی بهتر چه باید بکنم؟»، معنای «خوب» یا «بهتر» چیست؟ ما باید بفهمیم که چه چیزی در زندگی انسان اهمیت دارد و چرا. فرض می‌شود که مفهوم به‌زیستی بخش مهمی از پاسخ به این سؤالات را تشکیل می‌دهد، گرچه نه لزوماً همه آن را. توجه داشته باشید که ما نمی‌پرسیم آیا زندگی شخص اخلاقی یا مهم یا از نظر زیبایی‌شناختی جذاب است یا نه. ما در مورد ارزش زندگی برای همان شخصی که آن را می‌زید می‌پرسیم.

ما این پرسش را در زمینه زیر مطرح می‌کنیم. مطالعات به‌زیستی شامل حوزه‌چندرشته‌ای جالب و نسبتاً جدیدی است. دانشمندان اجتماعی از سرتاسر جهان در حال گردآوری سنجه‌های به‌زیستی در زمینه‌های مختلف‌اند تا از طریق داده‌های آن‌ها بتوان سیاست‌های اجتماعی را بهبود بخشید.^۲ این برنامه‌ها نشان می‌دهد که نهادهای سیاسی و اجتماعی باید در خدمت به‌زیستی انسان باشند، البته با شیوه‌های مختلف، و این‌که سیاست‌ها باید به شواهد تجربی حساس باشند. این بسیار امیدبخش است!

با این همه، این حوزه مشکلاتی نیز دارد و اغلب متکی بر توصیفی ناقص از مفهوم به‌زیستی است که به‌طور تلویحی، و به دو صورت، بر

۱. برای مثال، نگاه کنید به Hobbes, *Leviathan*, 2017.

2. Kruger 2009: 11; Diener, Lucas, Schimmack & Helliwell 2009; Huppert & Cooper 2014; Alexandra 2017

فرضیات اقتصاد نئوکلاسیک استوار می‌شود. اول، مدل ارزیابانه^۱ اغلب کمینه‌گرا^۲ است؛ یعنی معمولاً جنبهٔ هنجاری یا ارزیابانهٔ مفهوم به‌زیستی را کنار می‌گذارد یا تقلیل می‌دهد و در نتیجه آن را از نیروی اساسی بالقوه دگرگون‌سازش محروم می‌کند. دوم، این حوزه غالباً تقلیل‌دهنده است، به این معنا که به‌زیستی انسان را به مجموعه‌ای از مفاهیم اصلی مانند شادکامی، ارضای نیازها یا رتبه‌بندی تقلیل می‌دهد. این نظریه‌های تقلیل‌دهنده امکان عرضهٔ ذهنیت‌های مختلف از تجربه‌ها را از بین می‌برند و مفهومی ضعیف از زندگی انسان به دست می‌دهند.

به این دلایل، حوزهٔ مطالعات به‌زیستی شامل مجموعه‌ای از وعده‌هاست که معمولاً به آن‌ها عمل نمی‌شود. این حوزه وعده می‌دهد که ارزیابی‌های انتقادی عمیقی از نهادهای اجتماعی براساس شواهد تجربی ارائه کند، اما به این وعده عمل نمی‌کند زیرا مفهوم ضعیف به‌زیستی معمولاً فقط انعکاس لذت‌ها، ترجیحات و رتبه‌بندی‌های ذهنی موجود است. این حوزه از نظر ارزیابانه کمینه‌گرا است و، به جای این که مبتنی بالقوه برای نقد اجتماعی ریشه‌ای باشد، انعکاسی کمرنگ از فرضیات پذیرفته‌شدهٔ جامعه است.

راه‌حل این بن‌بست چیست؟ ما باید در مورد آنچه که از نظر هنجاری «خوب» است واضح‌تر و صریح‌تر سخن بگوییم. به‌زیستی ارزشی اساسی است. این اندیشه، با توجه به اهمیت فراوانش، شایستهٔ کاوشی عمیق‌تر بدون قید و بندهای نئوکلاسیک است. ما به مسیر جدیدی نیاز داریم که انعکاس غنا و تنوع تجربیات انسانی باشد و امر هنجاری را نیز در بر گیرد. این حوزه، با مفهوم‌سازی دوبارهٔ به‌زیستی، امکان بازاندیشی در معانی زندگی انسان را با روش‌هایی تازه‌تر فراهم می‌کند که می‌تواند منبعی برای نقد اجتماعی سازنده باشد.

1. evaluative
2. minimalistic

در این جا وارونگی جالبی مطرح می شود. در دیدگاه اثبات گرایانه^۱ متعارف، علوم اجتماعی معمولاً در روش شناسی شان عینی اند و در ادعاهای ارزیابانه شان ذهن گرا. ما برعکس آن را مطرح می کنیم: این که مطالعه به زیستی باید عینیت بیش تری در مورد ارزش های مربوطه داشته باشد، و توجه بیش تری به کاوش ذهنیت های زندگی انسانی نشان دهد. تفکر ترقی خواه به این وارونگی نیاز دارد و باید از نظر ارزیابانه قوی و از نظر ذهنی غنی باشد. از آنجا که فضاهای اجتماعی به طور فزاینده ای تحت الشعاع ملاحظات صرفاً اقتصادی قرار می گیرند، ما نیاز داریم که امکانات به زیستی انسان را درک کنیم بدون این که به ابزاری سازی^۲ یا کالایی سازی^۳ زندگی - آن طور که غالباً در علوم اجتماعی عینی و مستقل از ارزش رایج است - روی آوریم. ما این عرصه را نزدیکه سیاسی مهمی می دانیم: پیش برد درک ما از به زیستی انسان که از طریق آن می توانیم مفهوم پیشرفت از منظر روشنگری و نتولیرالیزم را به چالش بکشیم.

ما در این کتاب تلاش می کنیم مسیر جدیدی را در پیش بگیریم و به زیستی را به گونه ای توضیح دهیم که به فرضیات اقتصاد نئوکلاسیک و روش شناسی های کمی مستقل از ارزش محدود نباشد. تبیینی که به غنا و تنوع زندگی انسان متعهد باشد نیازمند تحلیلی چندبعدی است که توضیح دهد «خوبی» با توجه به جنبه های مختلف زندگی انسان چیست. این ها مثلاً عبارت اند از: فعالیت ها و تجربیات ما، آگاهی روزمره ما، روابط ما و خود آگاهی ما. به عبارت دیگر، ما به زیستی را به گونه ای تبیین خواهیم کرد که هم از نظر هنجاری قوی باشد و هم کل نگر،^۴ به این معنا که بتواند همه جنبه های «خوبی» در وجود انسان را شامل شود.

1. positivistic
2. instrumentalisation
3. commodifying
4. holistic

ما به عنوان پژوهشگران این حوزه درمی یابیم که بسیاری از کتاب های مربوط به بهزیستی و شادکامی از نظر چارچوب نظری اولیه خود کاستی هایی دارند. برای مثال، علاوه بر چیزهای دیگر، بسیاری از این کتاب ها وسیله و هدف یا ارزش ابزاری و غیرابزاری را با هم اشتباه می گیرند، و این ها را نیز غالباً با معیارها و شاخص ها خلط می کنند. این ها نکات بسیار مهمی اند که پیامدهایشان از حوزه نظری بسیار فراتر می رود. بخش هایی از فرهنگ غرب مملو از سوء تفاهم های عمیقاً ریشه دار و نهادینه شده درباره ارزش ها و ماهیت آن هاست. مطالعه بهزیستی فرصتی برای اصلاح این سوء تفاهم ها فراهم می سازد، و طرح ما تا حدی بر مبنای این فرض است که چارچوب هنجاری قدرتمند و کل نگر برای مفهوم سازی دوباره بهزیستی می تواند به حل و فصل این خطاهای نهادینه شده کمک کند و ما را قادر سازد بهزیستی را از نو بنگریم و آن را از چشم اندازی جدیدتر و بهتر درک کنیم، زیرا زمانه کنونی - با بحران های قریب الوقوع جهانی - به چنین چیزی نیاز دارد.

نظریه بهزیستی لزوماً باید شامل تبیین زندگی انسان و آنچه با آن ارتباط دارد باشد، و در عین حال به تفاوت های فردی، اجتماعی و فرهنگی بین افراد - که گاه بسیار زیاد است - توجه کند و آن را در نظر بگیرد. به عبارت دیگر، ما به نظریه ای نیاز داریم که بتواند پیچیدگی، غنا و تنوع زندگی انسان ها و شیوه های بودن ما را به طور شایسته بنمایاند. پرسش «زندگی انسان برای چیست؟» یا حتی «زندگی من برای چیست؟» به طرز فریبنده ای ساده و بدیهی می نماید. اما آن قدر ابعاد و بخش های مختلفی در زندگی انسان وجود دارد و روابط بین آن ها آن قدر پیچیده است که پاسخ به این پرسش ها تقریباً ناممکن به نظر می رسد.

مشکلی که این طرح با آن مواجه است فقط کمبود اطلاعات تجربی نیست. در واقع، ما نه تنها از دانش دقیق مورد نیاز برای مطالعه بهزیستی انسان برخوردار نیستیم، بلکه همچنین به چارچوب هایی مفهومی نیاز

داریم که در قالب آن‌ها بتوانیم این نوع تحقیقات تجربی را انجام دهیم. همان‌طور که قبلاً گفتیم، مطالعات تجربی به‌زیستی بیش‌تر به عوامل مؤثر بر به‌زیستی توجه دارند تا به ساختار خود آن. همان‌طور که خواهیم دید، توضیح این چارچوب‌های مفهومی بسیار مهم است، زیرا به‌خصوص به ما امکان می‌دهد تا پرسش‌های تجربی بهتری مطرح کنیم.